

# پییر دو ماریوو زندگی ماریان

ترجمہ نسرين حلالی



و تسلیمه ایشان را مخصوصه ساخته بهم عقولما و علمانه بولیم زده باید باشد  
سته استیعنه روشنانه

ساده هم چشم باشند و شنیده هم بتوانند بخوبی بازیابی کرد و مفهوم را  
بیان کنند و بگذرانند و مطلع آنها باشند و بروانه باشند و آنها مجهود نداشته باشند  
و آنها بخوبی باشند آنها بخوبی باشند و بروانه باشند و آنها بخوبی باشند  
و آنها بخوبی باشند آنها بخوبی باشند و بروانه باشند و آنها بخوبی باشند  
و آنها بخوبی باشند آنها بخوبی باشند و بروانه باشند و آنها بخوبی باشند  
**دیباچه**  
بلکه بخوبی باشند آنها بخوبی باشند و بروانه باشند و آنها بخوبی باشند

تسا عملانه بخوبی باشند آنها بخوبی باشند و بروانه باشند و آنها بخوبی باشند  
پیر کارله دو شامبلن دو ماریوو، نویسنده قرن هجدهم فرانسه (۱۶۸۸-۱۷۶۳)،  
تعداد زیادی نمایشنامه نوشته که به ویژه از لحاظ تجزیه و تحلیل ظریف  
روان‌شناسی و ظرافت سبک در باره تغییرات کوچک احساس، قابل توجه  
هستند. این افراط در دقت و موشکافی و ظرافت فکر و بیان را ماریوو داژ<sup>۱</sup>  
می‌نامند. از معروف‌ترین نمایشنامه‌هایش عنوان‌های زیر را باید شمرد:  
غافلگیری عشق، جزیره خرد و رازگویی‌های دو رویانه و ماریوو همچنین  
رمان‌هایی نوشته که از آن جمله‌اند: زندگی ماریان و دهقان تازه به دوران  
رسیده. او به عضویت فرهنگستان فرانسه برگزیده شد.

ماریوو به جنبه درونی شخصیت‌ها می‌پردازد. مهارت او در این است که  
در قلب انسان کمین می‌کند و هرگونه عشقی را که سعی در مخفی کردن آن  
دارند آشکار می‌کند. عشقی که طرفین می‌خواهند مخفی کنند، عشقی که  
جرئت بیان کردنش را ندارند، و گاهی عشقی که از وجود خود مطمئن نیست.  
عشقی که در قلب انسان جای دارد، انقلاب می‌کند. او کلیه این حالات را از  
نظر روان‌شناسی بیان می‌کند. از نظر او انسان به‌گونه‌ای ساخته شده است که  
بعضی از احساساتش را می‌گوید و برخی را مخفی می‌کند. ماریوو روان‌شناسی  
را وارد ادبیات می‌کند و عشق‌هایی را که مردم گرفتار آن‌هایند بررسی و تجزیه

و تحلیل می‌نماید. در تمام نمایشنامه‌ها صفت مشخص نقاشی احساسات و روان‌شناسی شخصیت است.

از نظر ماریوو نقطه اوج ادبیات یعنی این که داستان یک زندگی به زبان اول شخص گفته شود، آن هم طولانی و لزوماً ناتمام. داستان زندگی ماریان در باره اسرار زندگی پر فراز و نشیب زنی است پنجاه ساله که خود آن‌ها را برای یکی از دوستانش بازمی‌گوید. ماریوو احساسات و تأثیرات سخت و غیرقابل تحمل او را با دقت و ظرافت بسیار، در محیطی که او را می‌رنجاند و نیز راز شم و غریزه‌ای را که تمام تمایلات او را به سوی افراد خوب و عالی می‌کشاند، با سبکی موشکافانه و زیرکانه تجزیه و تحلیل می‌کند.

کتاب زندگی ماریان از سال ۱۷۳۱ تا ۱۷۴۱ به نگارش درآمده است.

از آنجا که ممکن است تصور شود این داستان برای سرگرمی مردم نوشته شده است، فکر می‌کنم وظیفه دارم به اطلاع برسانم این داستان را شخصاً از دوستی که آن را در جایی مبهم و رها شده یافته بود، گرفته‌ام.

حقیقت این است که اگر این داستان واقعی نبود، پر واضح است که به این سبک در نمی‌آمد، و زندگی ماریان نه چنین طولانی می‌شد و نه با این‌همه اندیشه و تفکرات همراه می‌بود. بدین معنی که بیشتر ماجرا و حادثه بود و کم‌تر جنبه روحی و معنوی داشت. خلاصه این که تاکنون همه رمان‌ها مطابق سلیقه عمومی بوده‌اند و چنین کتابی عاقلانه و منطقی خواهد بود اگر به دلیل مسائل مطرح در آن، مورد قبول عامه واقع نگردد. مردم فقط خواهان حوادث هستند نه بیش‌تر. و ماریان با نوشتن ماجراهایش هیچ در فکر رعایت این سلیقه نیست. او خود را از هیچ‌یک از تفکراتی که در ضمن حوادث زندگی اش برای او پیش می‌آیند، معاف نمی‌کند. استدلالش گاهی کوتاه و گاه طولانی است یعنی مطابق میل و خواستی که در او ایجاد شده بیان می‌شوند. او ماجراهایش را خطاب به خانمی نوشته که دوست او بوده و ظاهرآ عاشق نوشته‌اش به این صورت در آمده است، البته با قدری اصلاحات در نوشته که ما اعمال کرده‌ایم. و انگهی این قسمت در اختیار دیگران قرار گرفت که نظرشان

## پیش‌گفتار (۱)

از آنجا که ممکن است تصور شود این داستان برای سرگرمی مردم نوشته شده است، فکر می‌کنم وظیفه دارم به اطلاع برسانم این داستان را شخصاً از دوستی که آن را در جایی مبهم و رها شده یافته بود، گرفته‌ام.

حقیقت این است که اگر این داستان واقعی نبود، پر واضح است که به این سبک در نمی‌آمد، و زندگی ماریان نه چنین طولانی می‌شد و نه با این‌همه اندیشه و تفکرات همراه می‌بود. بدین معنی که بیشتر ماجرا و حادثه بود و کم‌تر جنبه روحی و معنوی داشت. خلاصه این که تاکنون همه رمان‌ها مطابق سلیقه عمومی بوده‌اند و چنین کتابی عاقلانه و منطقی خواهد بود اگر به دلیل مسائل مطرح در آن، مورد قبول عامه واقع نگردد. مردم فقط خواهان حوادث هستند نه بیش‌تر. و ماریان با نوشتن ماجراهایش هیچ در فکر رعایت این سلیقه نیست. او خود را از هیچ‌یک از تفکراتی که در ضمن حوادث زندگی اش برای او پیش می‌آیند، معاف نمی‌کند. استدلالش گاهی کوتاه و گاه طولانی است یعنی مطابق میل و خواستی که در او ایجاد شده بیان می‌شوند. او ماجراهایش را خطاب به خانمی نوشته که دوست او بوده و ظاهرآ عاشق نوشته‌اش به این صورت در آمده است، البته با قدری اصلاحات در نوشته که ما اعمال کرده‌ایم. و انگهی این قسمت در اختیار دیگران قرار گرفت که نظرشان